

المختصر في صفة الحج (الجمعية)

مختصری در بیان کیفیت ادای حج

مختصری در بیان کیفیت ادای حج

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار
جهانیان است و درود و سلام بر پیامبرمان محمد و بر همه‌ی
آل و اصحابشان باد.

اما بعد؛

آنچه پیش‌رو دارید مختصری در بیان شیوه‌ی ادای حج
می‌باشد که در آن سعی نمودیم اغلب مسائلی را بیان کنیم که
حاجی به آنها نیاز دارد.

از الله متعال می‌خواهیم که این تلاش را خالصانه برای
ذات بخشنده و بزرگوارش قرار دهد و عموم مسلمانان را از
آن بهره‌مند گرداند.

کمیتة علمی انجمن خدمت به محتوای اسلامی به زبان‌های
مختلف

پیشگفتار

مبحث اول: شروط قبول شدن عبادت:

عبادت نزد الله متعال پذیرفته نمی‌شود مگر به دو شرط:
اخلاص؛ به این معنا که نیت او از عبادت فقط کسب
رضایت الله متعال و سرای آخرت باشد؛ الله متعال می‌فرماید:
(وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...) [1]،

«و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند، درحالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند». [بینه: 5]¹
[البینه: ۵]

و رسول الله -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى». «اعمال وابسته به قصد و نیت‌ها هستند و برای هرکس فقط همان است که نیت کرده است».²

پیروی قوی و عملی از پیامبر -صلی الله علیه و سلم- در عبادت؛ رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ». «هرکس در این امر ما (دین ما) چیز جدیدی ایجاد کند که در آن نیست، مردود است».³ به روایت بخاری (2697) و مسلم (1718)؛ و در روایت مسلم (1718) چنین آمده است: «مَنْ عَمَلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». «هرکس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، مردود است».⁴

1 یعنی: به الله تعالی و عبادتش روی آورند و از غیر آن روی گردانند. تفسیر سعدی (ص 538)

2 به روایت بخاری (1)، و مسلم (1907).

3 به روایت بخاری (2697)، و مسلم (1718).

4 به روایت مسلم (1718).

مبحث اول: احکام مواقیت:

مواقیت: عبارتند از مکان‌هایی که رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- تعیین کردند تا کسی که قصد حج یا عمره دارد در آنها احرام ببندد.

بنابر این کسی که نیت انجام حج یا عمره را داشته باشد و از یکی از آنها بگذرد، بر او واجب است که در آن احرام ببندد و برای او جایز نیست که بدون احرام از آنها عبور کند.

و کسی که از این مواقیت به مکه نزدیکتر است، میقات و محل احرام بستن او همان جایی است که در آن است و از آنجا برای حج و عمره احرام می‌بندد.

اما اهل مکه و کسانی که در آن اقامت دارند، برای حج در مکه احرام می‌بندند؛ اما برای عمره به خارج از منطقه حرم رفته و در آنجا احرام می‌بندند، به عنوان مثال در تنعیم و مانند آن احرام می‌بندد.

و آنکه در هواپیما باشد، وقتی به راستای میقات می‌رسد، احرام می‌بندد؛ و به این ترتیب پیش از آنکه به راستای میقات برسد، آماده شده و لباس احرام به تن می‌کند و چون در راستای آن قرار گرفت، همان لحظه نیت احرام می‌کند و برای او جایز نیست که نیت احرام را تا فرود آمدن در فرودگاه به تأخیر بیندازد؛ و این امکان برای او وجود دارد که احتیاط نموده و پیش از قرار گرفتن در راستای میقات، لبیک بگوید، تا مبادا به دلیل سرعت هواپیما، مکان تلبیه را از دست بدهد.

مبحث دوم: انواع مناسک و احکام آنها:

مناسک حج سه نوع هستند: تمتع، افراد، قرآن.

برای کسی که همراه خود قربانی نیاورده است، بهترین مناسک، تمتع می‌باشد که عبارت است از: احرام بستن برای عمره در ماه‌های حج که در پی آن طواف و سعی نموده و از احرام خارج می‌شود، سپس در همان سال برای حج احرام می‌بندد.

حج افراد این است که: فقط برای حج احرام می‌بندد؛ وقتی به مکه رسید، برای او سنت است که طواف قدوم را انجام داده و سپس برای حج سعی کند و نه سر خود را بتراشد و نه موی خود را کوتاه کند؛ و از احرامش بیرون نمی‌آید؛ بلکه محرم باقی می‌ماند تا بعد از رمی جمره‌ی عقبه در روز عید، از احرام خارج می‌شود. و اگر سعی حج را تا بعد از طواف حج به تأخیر بیندازد، اشکالی ندارد.

حج قرآن: این است که برای عمره و حج با هم احرام ببندد و بگوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً وَحَجًّا).

عملکرد حاجی قارن همچون عملکرد حاجی افراد است و تفاوتی با هم ندارند جز اینکه حاجی قارن باید قربانی کند و حاجی افراد قربانی به عهده ندارد.

مبحث سوم: شیوه‌ی احرام و احکام آن

برای کسی که قصد احرام دارد، موارد زیر مشروع است:

غسل کردن که در حق مردان و زنان، حتی زنانی که در عادت ماهانه یا در وضعیت نفاس هستند، سنت موکده می‌باشد.

استفاده از خوشبویی با خوشبوترین عطری که در دسترس دارند؛ مانند استفاده از روغن عود یا مانند آن بر روی سر و ریش؛ و بقای آن بعد از احرام اشکالی متوجه او نمی‌کند. اما برای زنان جایز نیست از نوعی خوشبویی استفاده کنند که دارای بو است، چون بوی آن به مشام مردان نامحرم می‌رسد.

پوشیدن لباس احرام که دو تکه‌ی پارچه شامل لنگ و رداء می‌باشد؛ و سنت این است که سفید و پاکیزه یا جدید باشند؛ و زنان می‌توانند در هر لباسی که بخواهند محرم شوند، به شرطی که با زینتی همراه نباشد؛ اما باید از پوشیدن نقاب و دستکش اجتناب کنند و صورت و دستان را با چیزی غیر از آنها بپوشانند.

احرام پس از نماز مشروع است، چه این نماز فرض باشد یا نفل؛ و این واجب نیست.

و به این ترتیب می‌گوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عَمْرَةً) اگر نیت عمره دارد؛ یا (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ حَجًّا) در صورتی که نیت حج افراد دارد؛ یا می‌گوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عَمْرَةً وَحَجًّا) اگر نیت حج قرآن دارد.

و اگر کسی که قصد بستن احرام را دارد و از مانعی بیم دارد که ممکن است او را از تکمیل مناسک بازدارد، برای او جایز است که هنگام احرام شرط کند و بگوید: «...وَإِنْ حَبَسَنِي حَائِسٌ فَمَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي» «... و اگر چیزی مانع

من شد، خارج شدن از احرام همان جایی است که مرا باز داشته‌ای». بنابراین چون این مساله را شرط کند و چیزی مانع تکمیل مناسکش شود، از احرام خارج می‌شود و چیزی بر عهده‌ی او نیست.

سپس تا می‌تواند تلبیه می‌گوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ) مردان آن را با صدای بلند می‌گویند و همچنین زنان آن را با صدای بلند می‌گویند، مادامی که در حضور مردان نباشند. شایسته‌ی محرم همین است که زیاد لبیک بگوید، به ویژه به هنگام تغییر احوال و ازمان؛ مانند وقتی که به جایی بالا یا پایین می‌رود یا شب یا روز روی می‌آورد.¹

لبیک گفتن در عمره، از هنگام احرام تا آغاز طواف مشروع است؛ و در حج، از هنگام احرام تا آغاز سنگ زدن به ستون عقبه در روز عید مشروعیت دارد.

1 اینکه حاجی پی در پی می‌گوید: (لَبَّيْكَ)؛ به این معناست که: پروردگارا ندای تو را اجابت نمودم؛ به این معناست که انسان ندای پروردگارش را اجابت می‌کند و به طاعت او می‌پردازد. (إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ) «الحمد» عبارت است از توصیف محمود به کمال توام با محبت و تعظیم؛ و چون تکرار شود، ثنا و ستایش می‌شود. و «النعمه» همان است که الله متعال به وسیله‌ی آن بر بندگانش لطف نموده است و شامل حصول مطلوب و دفع مکروه می‌باشد. و اینکه می‌گوید: (وَالْمُلْكَ) یعنی پادشاهی از آن توست؛ و مالک حقیقی فقط الله متعال است. و اینکه می‌گوید: (لَا شَرِيكَ لَكَ) یعنی هیچ کسی با تو در آنچه مخصوص توست، شریک نبوده و شراکتی ندارد؛ از جمله در صفات کامل تو مانند یکتایی و یگانگی در پادشاهی و آفرینش و تدبیر و الوهیت. [مجموع فتاوی و رسائل العثیمین (96 / 22) به اختصار].

بر محرم واجب است تا خارج شدن از احرامش، از ارتکاب ممنوعات احرام پرهیز کند.

مبحث چهارم: ممنوعات احرام

ممنوعات احرام عبارتند از:

تراشیدن مو یا کوتاه کردن آن یا کندن آن از هر جایی از بدن.

کوتاه کردن همه‌ی ناخن‌ها یا برخی از آنها از پاها یا دست‌ها.

پوشیدن سر با چیزی که به آن بچسبد مانند کلاه و شال و عمامه و قرار دادن ردا یا دستمال بر سر یا پارچه و کارتون یا هر چیز دیگری که با هدف پوشش از آن استفاده شود. و این حکم فقط مخصوص مردان است نه زنان.

پوشیدن لباس عادی و دوخته شده به اندازه‌ی اعضای بدن به همان هیئت عادی و معمولی همیشگی؛ مانند: لباس دوخته شده، شلوار، پیراهن، جوراب و دستکش. و این مخصوص مردان است نه زنان؛ و زنان فقط از موارد زیر نهی شده‌اند:

پوشیدن نقاب یا برقع یا روبند که مشابه نقاب است؛ اما بر زنان واجب است که صورت خود را نزد مردان نامحرم با چیزی بپوشانند که معمولاً صورت را می‌پوشاند؛ هرچند این پوشش با صورتش در تماس باشد؛ و برای او مشروع نیست که نگهدارنده‌ای [مانند کاپ کلاه] بر سرش قرار دهد تا با

مبادا پارچه به صورتش تماس پیدا کند؛ چون دلیلی برای مشروعیت آن وجود ندارد.

پوشیدن دستکش؛ و بر زنان واجب است که دست‌های خود را با قراردادن آنها در داخل عبایشان، از مردان بیگانه بپوشانند.

استفاده از خوشبویی در بدن یا لباس احرام.

کشتن صید و شکار در خشکی یا به دام انداختن آن، هر چند آن را نکشد.

خواستگاری کردن برای خود یا دیگران.

عقد ازدواج

تماس جنسی کمتر از آمیزش جنسی در محل شرمگاه؛ مانند بوسیدن و لمس با شهوت.

جماع (آمیزش جنسی در محل شرمگاه).

مبحث پنجم: روش طواف

چون محرم وارد مسجدالحرام گردید، برای او سنت است که با پای راست وارد شود و دعای وارد شدن به مسجد را بخواند؛ و صحیح‌ترین دعایی که در این زمینه وارد شده آن است که بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»: «بارالها، درهای رحمتت را به روی من بگشای». و این دعا را به

هنگام ورود به هر مسجد می‌خواند و مخصوص مسجد الحرام نیست.

و چون قصد شروع طواف را داشت، اضطباع می‌کند؛ به این معنا که وسط ردایش را زیر بغل راستش قرار داده و دو طرف آن را بر کتف چپش می‌اندازد؛ و چون از طواف نمودن فارغ شد، ردای خود را به حالت پیش از طواف درمی‌آورد؛ چون محل اضطباع، فقط طواف است.

سپس به سوی حجرالاسود می‌رود و آن را با دست راستش لمس نموده و می‌بوسد؛ و اگر بوسیدن آن میسر نبود، با دستش آن را لمس می‌کند و دستش را می‌بوسد؛ و اگر لمس کردن آن با دست هم میسر نبود، با چیزی که به همراه دارد، مانند عصا و شبیه آن لمسش نموده و آن را می‌بوسد. و اگر این مقدار هم برای او میسر نبود، رو به حجرالاسود نموده و با دستش به سوی آن اشاره می‌کند و این بار دستش را نمی‌بوسد؛ و بهتر این است که برای دیگران مزاحمت ایجاد نکند و سبب اذیت و آزار مردم نشود.

و به هنگام لمس حجرالاسود یا اشاره به آن «الله اکبر» می‌گوید.

سپس به گونه‌ای می‌ایستد که خانه کعبه در سمت چپ او قرار بگیرد؛ و چون به رکن یمانی رسید، آن را لمس می‌کند و دستش را نمی‌بوسد؛ و اگر این کار برای او میسر نبود، به خاطر آن خود را به زحمت نمی‌اندازد و به سوی آن اشاره نمی‌کند.

و بین رکن یمانی و حجرالاسود این دعا را می‌خواند:
«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»:
«پروردگارمان، به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا
بفرما و ما را از عذاب دوزخ نجات بده».

و هر بار که از حجرالاسود می‌گذرد، با دستش به سوی
آن اشاره می‌کند و «الله اکبر» می‌گوید.

و در سایر طوافش، هر ذکر، دعا و قرائت هر بخشی از
قرآن را که دوست دارد، می‌خواند.

سنت است که فقط در سه دور اول (که به هر دور یک
شوط می‌گویند) رمل کند؛ و رمل به معنای سرعت بخشیدن
به راه رفتن با نزدیک کردن گام‌ها به هم می‌باشد. اما در چهار
دور باقی، رمل نمی‌کند و به صورت عادی حرکت می‌کند.

و چون طواف را به پایان رساند، نزد مقام ابراهیم می‌رود
و این آیه را می‌خواند: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾
[البقرة: 125] «و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را
نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید». سپس چنانچه میسر
بود، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم می‌خواند و اگر امکان
نداشت، در هر جایی از مسجد که ممکن باشد می‌خواند؛ و به
این ترتیب در رکعت اول بعد از سوره‌ی فاتحه «قُلْ يَا أَيُّهَا
الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوم بعد از سوره‌ی فاتحه «قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ» را می‌خواند.

﴿...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...﴾

(...و از مقام ابراهیم نمازگاهی قرار دهید...)، [البقره:

125] سپس در صورت امکان، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم بخواند، و اگر ممکن نبود در هر جایی از مسجد الحرام آن دو رکعت را بخواند. در رکعت اول، پس از سوره فاتحه، این سوره را بخواند:

(قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)

(قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) [الکافرون: ۱] و در رکعت دوم پس از سوره فاتحه، این سوره را بخواند:

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). [الإخلاص: ۱]

مبحث ششم: روش سعی

و زمانی که از طواف و دو رکعت آن فارغ شد، به محل سعی می‌رود؛ و چون به صفا نزدیک شد، این آیه را می‌خواند: (إِنَّ الْأَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ) [البقرة: 158] «صفا و مروه از نشانه‌های [ظاهری شریعت] الله است». سپس می‌گوید: «أبدأ بما بدأ الله به»: «از جایی آغاز می‌کنم که خداوند از آن آغاز کرده است».

(إِنَّ الْأَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...)

(صفا و مروه از نشانه‌های [ظاهری شریعت] الله هستند...). سپس می‌گوید: «أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ». (با آنچه الله آغاز کرده، من هم آغاز می‌کنم)¹.

آنگاه از صفا بالا می‌رود تا کعبه یا جهت آن را ببیند، پس رو به کعبه می‌کند و الله متعال را به یگانگی و یکتایی یاد نموده و تکبیر گفته و می‌گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ». و آن را سه بار تکرار می‌کند و در این بین دعا می‌خواند. ترجمه‌ی ذکر مذکور: «معبود بر حق جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد؛ پادشاهی و حمد و ستایش برای اوست؛ و او بر هر چیزی تواناست؛ معبود بر حق جز او نیست، یکتاست، وعده‌اش را تحقق بخشید و بنده‌اش را یاری نمود و به تنهایی همه‌ی احزاب و گروه‌ها را شکست داد». «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ. قَالَ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. («هیچ معبود بر حق جز الله نیست، یکتاست و شریکی برای او نیست؛ پادشاهی و فرمانروایی برای اوست و حمد و ستایش برای اوست؛ و او بر هر چیزی قادر و تواناست؛ معبود بر حق جز او نیست، یکتاست، وعده‌اش را تحقق بخشید و بنده‌اش را یاری نمود و احزاب و گروه‌ها را به تنهایی شکست داد»؛ سپس میان این

¹ به روایت مسلم (1218).

هرچه خواست دعا می‌کند و دعای مذکور را سه بار تکرار می‌کند¹.

سپس از صفا پایین آمده و قدم‌زنان به سوی مروه می‌رود؛ و چون به علامت سبز رسید، به سرعت خود می‌افزاید و شتاب می‌کند؛ و چون به علامت سبز دوم رسید، به صورت معمولی ادامه می‌دهد؛ و این شتاب بخشیدن به سرعت خود در راه رفتن، برای زنان مشروع نیست².

چون به مروه رسید، برای او مشروع است که همان کارهایی را انجام دهد که در صفا انجام داد. (بخش شماره 2).

سپس از مروه پایین آمده و قدم‌زنان به سوی صفا حرکت می‌کند؛ و چون به علامت سبز رسید به سرعت خود می‌افزاید و شتاب می‌کند و وقتی به علامت سبز دوم رسید، به صورت معمولی حرکت خود را ادامه می‌دهد.

به همین ترتیب عمل می‌کند تا هفت دور کامل شود؛ چنانکه حرکت او از صفا به سوی مروه یک دور و بازگشت وی از مروه به صفا یک دور دیگر محسوب می‌شود.

و در سعی خود هر ذکر و دعا و تلاوت قرآنی که دوست داشته باشد، می‌گوید و می‌خواند.

مبحث هفتم: روش تراشیدن و کوتاه کردن موی سر

¹ به روایت مسلم (1218).

² امروزه این علامت‌ها به صورت مهتابی یک‌پارچه سبز قرار دارند که دویدن از آغاز آن شروع شده و آخر آن پایان می‌یابد.

زمانی که عمره‌گزار طواف و سعی خود را به پایان رساند، بر او واجب است که سرش را بتراشد یا از موهای سرش کوتاه کند، در صورتی که مرد است؛ و سنت این است که تراشیدن یا کوتاه کردن شامل همه‌ی سر باشد.

و فضیلت تراشیدن سر بیش از کوتاه کردن است؛ مگر اینکه وقت حج نزدیک باشد، به گونه‌ای که وقتی برای رشد موی سر نباشد؛ در این صورت بسنده نمودن به کوتاه کردن بهتر است.

اما زنان از اطراف موهای خود به اندازه‌ی یک بند انگشت کوتاه می‌کنند.

ولی کسی که احرام حج بسته است، چه حج او افراد باشد یا قرآن، از موی خود نمی‌گیرد مگر در روز عید بعد از سنگ زدن به ستون عقبه.

و به این ترتیب عمره‌ی عمره‌گزار به پایان می‌رسد و همچنین مناسک عمره‌ی حاجی تمتع به پایان می‌رسد.

روش انجام حج

مبحث اول: احرام حج

برای کسی که قصد حج دارد، سنت است که در وقت چاشتگاه روز ترویج یعنی در روز هشتم ذوالحجه از مکانی که از آن اراده‌ی حج دارد، احرام ببندد؛ و این در صورتی

است که در مکه باشد یا در فاصله‌ی میان مواقیت و مکه؛ و گرنه از میقاتی احرام می‌بندد که از آن می‌گذرد.

و هنگام احرام بستن برای حج، همان کارهایی را انجام می‌دهد که به هنگام احرام برای عمره انجام می‌دهد؛ غسل نمودن و استفاده از خوشبویی و نماز خواندن؛ و به این ترتیب برای حج احرام می‌بندد و لبیک می‌گوید. و شیوه‌ی تلبیه گفتن در حج همان شیوه‌ی تلبیه گفتن در عمره است، جز اینکه در اینجا به جای (لَبَّيْكَ عُمْرَةً) می‌گوید: (لَبَّيْكَ حَجًّا).

و اگر بیم آن داشت که مانعی سبب به تعویق افتادن و تکمیل مناسک او شود، برای او جایز است که هنگام احرام شرط بگذارد و بگوید: «...وَإِنْ حَبَسَنِي حَاسِسٌ فَمَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي». «.. و اگر مانعی مرا از ادامه‌ی مناسک بازداشت، خارج شدن من از احرام همان جایی است که مرا از ادامه مناسک بازداشتی». و چون شرط بگذارد و مانعی در مسیر اتمام مناسک ایجاد شود، از احرام خارج می‌شود و چیزی بر عهده‌ی او نخواهد بود.

سپس تا می‌تواند تلبیه می‌گوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ)؛ و مردان به هنگام گفتن آن صدای‌شان را بلند می‌کنند؛ و همچنین زنان، مادامی که در حضور مردان بیگانه نباشند. و شایسته و سزاوار محرم همین است که زیاد لبیک بگوید، به ویژه هنگام تغییر حالت و زمان؛ مانند زمانی که بالا می‌رود یا پایین می‌رود یا شب یا روز روی می‌آورد.

مشروعیت لبیک گفتن از هنگام احرام بستن تا آغاز سنگ زدن به ستون عقبه در روز عید می باشد.

بر محرم واجب است تا خارج شدن از احرام، از ارتکاب ممنوعات احرام خودداری نموده و حذر کند.

مبحث دوم: مبیت (شب ماندن) در منا

سپس برای او سنت است که در روز هشتم به سوی منا خارج شود و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح را در منا به صورت قصر و نه جمع بخواند؛ چون رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - نمازها را در منا قصر نمود و جمع نکرد.

مبحث سوم: توقف در عرفات و مبیت در مزدلفه

سپس چون خورشید در روز نهم طلوع نمود که روز عرفه است، از منا به طرف عرفات می رود و تا هنگام زوال در نمره باقی می ماند، اگر برای او میسر باشد؛ وگرنه اشکالی متوجه او نیست؛ چون ماندن در نمره سنت است.

و چون خورشید زوال نمود، نماز ظهر و عصر را دو رکعت دو رکعت می خواند و میان آنها جمع تقدیم می کند، چنانکه رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - انجام دادند.

پس از نماز مشغول ذکر و دعا و تضرع به درگاه خداوندی می‌شود و هر دعایی را که دوست دارد با دست‌های بالا و رو به قبله می‌خواند.

بیشترین دعای پیامبر -صلی الله علیه و سلم- در عرفات، این توقفگاه بزرگ و والامقام این بوده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

اگر خسته شد و خواست با صحبت کردن با همراهانش در مورد چیزهای مفید و سودمند یا خواندن کتاب‌های مفید، به ویژه در مورد سخاوت و بزرگواری و عطا و بخشش‌های خداوند متعال، این خستگی را برطرف کند، تا امیدواری او در آن روز مبارک تقویت شود، کار خوبی است؛ سپس به زاری و تضرع به درگاه خداوندی و دعای او باز می‌گردد و این فرصت را تا آخر روز، با دعا کردن غنیمت می‌شمارد که بهترین دعا، دعای روز عرفه است.

و چون خورشید در روز عرفه غروب نمود، به سوی مزدلفه حرکت می‌کند.

و چون به مزدلفه رسید، نماز مغرب را سه رکعت و نماز عشاء را دو رکعت با هم جمع نموده و می‌خواند.

و اگر بیم آن داشت که مبادا تا نیمه‌شب به مزدلفه نرسد، نماز می‌خواند ولو قبل از رسیدن به مزدلفه باشد؛ و جایز نیست که نماز را تا بعد از نیمه‌شب به تأخیر بیندازد.

و شب را در مزدلفه می ماند؛ وقتی فجر طلوع نمود، نماز صبح را در اول وقت، با اذان و اقامه می خواند.

سپس قصد مشعر الحرام می کند و الله متعال را به یکتایی و یگانگی یاد نموده و تکبیر می گوید و هر دعایی را که دوست دارد می خواند تا خوب هوا روشن شود؛ و اگر رفتن به مشعر الحرام برای او میسر نشد، در همان جایی که هست دعا می کند؛ چرا که رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمودند: «وَقِفْتُ هَاهُنَا وَجَمَعَ كُلُّهَا مَوْقِفٌ»: «اینجا توقف نمودم و تمام مزدلفه محل توقف است». و در حین ذکر و دعا، با دستان بلند رو به قبله می باشد. «وَقِفْتُ هَاهُنَا وَجَمَعَ كُلُّهَا مَوْقِفٌ»، (من اینجا ایستادم و تمامی مزدلفه محل ایستادن است). و در حالت ذکر و دعا باید رو به قبله باشد و دستانش را بلند می کند.

مبحث چهارم: اعمال روز عید

وقتی خوب هوا روشن شد، قبل از طلوع خورشید، از مزدلفه به سوی منا حرکت می کند و در وادی محسر به حرکت خود سرعت می دهد.

چون به منا رسید، ستون عقبه را سنگ می زنند که آخرین ستون برای کسی است که به سمت مکه می رود؛ آن را با هفت سنگ پشت سرهم، یکی پس از دیگری رمی می کند که هر سنگی تقریباً به اندازه ی یک دانه خرما می باشد و با انداختن هریک از آنها تکبیر می گوید.

سپس قربانی خود را ذبح می کند، چنانچه میسر بود.

آنگاه سرش را می تراشد یا موهای سرش را کوتاه می کند، اگر مرد باشد؛ و تراشیدن در حق مردان افضل تر است؛ اما برای زنان، کوتاه کردن موها مشروعیت دارد نه تراشیدن آنها.

به این ترتیب چون رمی (سنگ زدن) و تراشیدن موهای سر را انجام دهد، برای بار اول از احرام خارج می شود که به آن تحلل اول می گویند؛ و اینگونه همه چیز برای او حلال می شود، جز [آمیزش جنسی و مقدمات آن] با زنان.

سپس به مکه می رود و طواف افاضه را انجام داده، سپس سعی حج را انجام می دهد، اگر حج او تمتع یا افراد یا قران بوده و بعد از طواف قدوم سعی نکرده است، می تواند طواف و سعی را تا شب یا روز دوم - هرگاه که برای او میسر بود - به تأخیر بیندازد.

مبحث پنجم: اعمال ایام تشریق

وقتی رمی و تراشیدن سر و طواف و سعی را انجام داد، به کلی از احرام خارج می شود و همه چیز حتی زنان برای او حلال می شود.

آنگاه به منا می رود و شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در آن سپری می کند.

و به این ترتیب پس از زوال خورشید، سنگ زدن به ستون های سه گانه را انجام می دهد.

چنانکه در روز یازدهم، ستون اول که دورترین ستون از مکه و نزدیکترین آنها به مسجد خیف است، با هفت سنگریزه، پشت سر هم یکی پس از دیگری رمی می‌کند و با هر سنگریزه الله اکبر می‌گوید. سپس کمی جلو رفته و در هر موردی که دوست دارد، دعایی طولانی می‌کند. و اگر توقف و دعای زیاد بر او سخت و دشوار بود، چنانکه برای او میسر است دعا کند ولو اندک باشد، تا به سنت عمل کرده باشد.

سپس به همین ترتیب سنگ زدن به ستون وسطی را انجام می‌دهد و بعد از آن دعا می‌کند.

و پس از آن به همین صورت سنگ زدن به ستون عقبه را انجام می‌دهد و این بار باز می‌گردد و بعد از آن دعا نمی‌خواند.

سپس سنگ زدن به ستون‌ها را همچون روز یازدهم، در روز دوازدهم انجام می‌دهد؛ و چون سنگ زدن به ستون‌ها را تکمیل نمود، اگر بخواهد می‌تواند عجله نموده و منارا ترک کند.

و اگر بخواهد می‌تواند تأخیر نموده و شب سیزدهم را در منا بماند و سنگ زدن به ستون‌های سه‌گانه را بعد از زوال، همچون دو روز گذشته انجام دهد؛ و این تأخیر نمودن افضل تر است.

و تأخیر نمودن [از ترک منا] تا روز سیزدهم واجب نیست مگر اینکه درحالی خورشید روز دوازدهم غروب کرده باشد که حاجی در منا باشد؛ در این صورت تأخیر نمودن در ترک

منا تا رمی جمرات سه‌گانه بعد از زوال خورشید در روز سیزدهم واجب است.

اما اگر در روز دوازدهم و بدون اختیار وی، خورشید بر او غروب نمود، به عنوان مثال قصد حرکت نموده و سوار بر وسیله‌ی نقلیه شد، اما به سبب ترافیک و مشکلاتی از این قبیل، ترک منا به تأخیر افتاد؛ در این صورت تأخیر نمودن بر او واجب نیست، چون تأخیر وی تا غروب، بدون اختیار او بوده است.

مبحث ششم: طواف وداع

و زمانی که قصد خارج شدن از مکه به سوی شهر و دیار خود نمود، تا طواف وداع را انجام نداده، از مکه خارج نمی‌شود.

مگر زنی که دچار عادت ماهانه یا نفاس و خونریزی پس از زایمان باشد که این دو گروه، طواف وداع ندارند؛ و نباید برای وداع نزد دروازه‌ی مسجدالحرام بایستند؛ زیرا چنین توصیه‌ای از رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- وارد نشده است.

و چون قصد سفر داشت، آخرین عملی که انجام می‌دهد، طواف وداع باشد.

اما اگر بعد از انجام طواف وداع، در انتظار همراهانش یا حمل کیف‌هایش باقی ماند یا در مسیر خرید ضروری داشت، گناهی متوجه او نیست؛ و لازم نیست طواف وداع را تکرار

کند، مگر اینکه سفرش را به تأخیر بیندازد؛ به عنوان مثال
ابتدای روز قصد سفر دارد و طواف وداع را انجام می‌دهد،
سپس سفرش را تا آخر روز به تأخیر می‌اندازد، در این
صورت بر او لازم است که این طواف را تکرار کند تا اینکه
آخرین عمل او طواف کعبه باشد.

فهرست

2	مختصری در بیان کیفیت ادای حج
2	پیشگفتار
2	مبحث اول: شروط قبول شدن عبادت
4	مبحث اول: احکام مواقیت
5	مبحث دوم: انواع مناسک و احکام آنها
5	مبحث سوم: شیوهی احرام و احکام آن
8	مبحث چهارم: ممنوعات احرام
9	مبحث پنجم: روش طواف
12	مبحث ششم: روش سعی
15	روش انجام حج
15	مبحث اول: احرام حج
17	مبحث دوم: مبیت (شب ماندن در منّا)
17	مبحث سوم: توقف در عرفات و مبیت در مزدلفه
19	مبحث چهارم: اعمال روز عید
20	مبحث پنجم: اعمال ایام تشریق
22	مبحث ششم: طواف وداع